



گفت و گو با

حجة الاسلام والمسلمین

محمد تقی سبحانی*

🗨️ : با توجه به این که مجله حوزه ۲۱ سال از عمر خود را سپری

کرده و این مدت، برای عمر یک نشریه کم نیست. در یک نگاه کلی و

با توجه به شناختی که نسبت به آن دارید، آن را چگونه ارزیابی می کنید؟

● من فکر می کنم، باید نشریات را به صورت عموم، یا به صورت نشریات دینی

به طور اخص یک دسته بندی بکنیم، تا بتوانیم به ویژگیهای هر کدام بهتر پردازیم.

به طور معمول، به دلیل، دسته بندیهای کلی که نسبت به نشریات وجود

دارد و گاه نگاههای عمومی، نمی توانیم رسالتهای هر نشریه را به گونه ویژه

بشناسیم. اگر یک نگاه کلی بخواهیم به این نوع نشریات داشته باشیم، فکر

می کنم نشریه حوزه، یک نشریه صنفی است.

مجله حوزه، در قالب نشریات صنفی قابل دسته بندی است. یعنی، نه

یک نشریه عام است که در فرهنگ عمومی دینی بخواهد فعالیت کند و نه حتی

یک نشریه تخصصی فنی در یکی از رشته های علوم دینی؛ بلکه یک نشریه ای

که ناظر به یک نهاد فرهنگی است و بیش تر نوع نگاهش در دهه آغازین، متوجه

به خود نهاد حوزه بوده است. از این جهت من فکر می کنم شاید اولین امتیاز

* رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی.

این نشریه، در همین بوده است. در زمانی که حوزه ما نیازمند یک بازنگری و بازسازی جدی بود، ضرورت یک نشریه‌ای که بتواند درست این نهاد حوزوی را بازشناسی و کالبدشکافی کند، ضعف و قوت آن را مورد شناسایی قرار دهد و پیشنهادهایی هم ارائه بکند، احساس می‌شد. این نکته، دارای اهمیت است و به نظر من استمرار و حیات نشریه حوزه هم، در گروی استمرار این نوع نگاه و این مأموریت است.

از آن طرف ما در دهه آغازین می‌بینیم برخلاف دغدغه‌ای که مثل همه کارهای فرهنگی وجود دارد، آن هم کارهای خطیری که درباره مسائل حاد اجتماعی و صنفی است، یک لغزشگاه‌هایی و افراط و تفریط‌هایی وجود دارد. اما اینها هیچ کدام از ارزش کار حوزه نمی‌کاهد و رسالت اصلی را زیر سؤال نمی‌برد.

سوال: دگرگونی‌های کیفی مجله را در طول این دو دهه و بویژه در چند سال اخیر چگونه دیده اید و به نظر شما برجسته‌ترین کاری که تاکنون انجام شده چیست؟ از موضوعات پرداخته شده، کدام موضوعات ضروری‌تر و هوشمندانه‌تر انتخاب شده است؟

● من فکر می‌کنم در مجموع دست اندرکاران نشریه حوزه توانستند در آن دهه آغازین یک خط نسبتاً معتدلی را در پیش گیرند و یک تعامل خوبی را بخصوص با نسل جوان حوزه برقرار کنند. اما در دهه دوم، به دلیل شرایط درون و بیرون حوزه، نشریه حوزه هم از رسالت آغازین خودش اندکی فاصله گرفت و متوجه مباحث تخصصی یا موضوعات علمی و فرهنگی شد که البته کارهای خوب و سترگی در این زمینه صورت گرفت. انصافاً، ویژه‌نامه‌هایی که نشریه حوزه در این مدت منتشر کرد، جزو منابع بسیار خوب و قابل مراجعه است. اما به دلیل همان نکته‌ای که عرض کردم: رسالت اصلی نشریه نگاه بازسازی و بازشناسی

به حوزه بود، به گمانم این نوع فاصله گرفتن از مأموریت چندان پسندیده نبود و شاید بتوان گفت تا اندازه‌ای هم به عنوان نقطه ضعف تلقی می‌شود. یعنی اگر من خودم را در آن وضعیت قرار دهم، به گمانم می‌شد مجله حوزه، البته با یک نگاهی متفاوت و ایجابی، مباحث جدی حوزه را به بحث و گفت‌وگو بگذارد. ولی دست اندرکاران تشخیص دادند، قطعاً هم ملاحظاتی در این زمینه داشتند، که کار به گونه‌ای دیگر دنبال شود. عرض کردم: در مجموع، دستاورد فرهنگی مثبتی هم داشته‌اند.

🔗 : به نظر جناب عالی با استفاده از این ظرفیتهایی که در دو دهه

گذشته تجربه و در دسترس بوده است، حوزه در نقطه عطف تحولات

خودش چه آرمان و برنامه‌ای باید در دستور کار داشته باشد و چه قالبی

را برای رشد و توسعه آن می‌توان پیشنهاد کرد؟

● حوزه همچنان باید یک نشریه صنفی، آن هم متعلق به نسل جوان حوزه‌ها باقی بماند. البته وقتی می‌گوییم نسل جوان، منظورم این نیست که برای غیر نسل جوان مفید نباشد. منظورم این است که مباحث اساسی اصطلاحی حوزه، بیش از هر چیز و برای هرکس، برای نسلی مفید است که بار مسؤلیت آینده را به دوش دارد و آینده حوزه بر دوش آن نسل سوار و استوار خواهد شد.

بر این اساس، اعتقادم این است که حوزه باید یک بار دیگر رسالت خودش را درباره مسائل استراتژیک و مسائل بنیانی حوزه متمرکز کند و به عنوان یک ارگان نسل نوحاسته و نوجوی حوزه به سمت تضمین چشم‌انداز آینده حوزه، ارائه راهبردهای اساسی برای تدوین برنامه‌های بلندمدت حوزه و ایجاد تحول در بخشهای مختلف و کمک به مسؤولان و متصدیان، از یک سو و نسل جوان و نوجوی حوزه از سوی دیگر. با این نگاه، به یک معنی همان رسالت دهه اول، هم

در ابعاد گسترده‌تر و هم در یک برش عمیق‌تر نسبت به مسائل حوزه مطرح است.

🔗 : نقطه آغازین این بازشناسی و تحول چه می‌تواند باشد و چگونه

می‌توان این نگاه را عملیاتی ساخت؟

● من معتقدم الآن که مقام معظم رهبری فرمودند: حوزه باید چشم‌انداز بیست ساله خودش را تنظیم و ارائه کند، همین را باید نقطه آغاز فضای جدید نشریه حوزه قرار دهیم و از این نقطه شروع کنیم و بحث‌های بنیادی مربوط به حوزه و مطالعات استراتژیک مربوط به حوزه را در نشریه دامن بز نیم و به تبع، ظرفیتها و منابع جدیدی برای چنین رسالتی داشته باشیم.

طبیعی است برای دستیابی به چنین هدفی، ضرورت دارد هم منابع انسانی رایک بازنگری بکنیم و هم افراد اندیشمندی را در این زمینه جذب فضای نشریه حوزه بکنیم. از ظرفیتهای گذشته سود ببریم و ظرفیتهای دیگری را هم جذب کنیم. حتی من به گمانم ایجاد حلقه‌های مطالعات استراتژیک حوزه را ما باید فعال کنیم. امروزه کسان بسیاری هستند که هم می‌اندیشند و هم اندیشه‌های خوب بسیاری دارند، اینها را جذب و سازماندهی کنیم و در قالب کار گروهی، اندیشه‌ای، که حاصل کار گروهی است، بتوانیم ارائه کنیم.

🔗 : بازشناسی به عنوان یک الزام دائمی و جزء لاینفک هر اقدام و

حرکت مطرح است، اما در این بازشناسی با توجه مجلد به اهداف و

آرمانهای حوزه، چه راهبردهای شخصی به لحاظ موضوع شناسی و

روش شناسی می‌توان برای مجله حوزه ارائه کرد؟ یعنی مجله حوزه با

چه راهبردهایی می‌تواند این راه را در پیش بگیرد؟

● در نقطه آغازین باید یک بازشناسی از جایگاه حوزه در عرصه فرهنگ دینی

داشته باشیم؛ هم در سطح ملی و هم در سطح جهان اسلام و هم در سطح بین الملل. یعنی ما سه نگاه در طول یکدیگر را نسبت به مسأله حوزه داشته باشیم. حوزه امروز ما، حوزه ۵ سال گذشته و حتی حوزه ۲۰ سال پیش هم نیست. در ۲۰ سال گذشته شاید اگر حوزه وظیفه تخریب یک نظام طاغوت و پایه گذاری یک نظام جدید را داشت، امروز حوزه وظیفه مدیریتی یک حاکمیت ملی را در سطح ملی، آن هم در مواجهه با مسائل جهانی داراست. این جایگاه باید روشن شود. ما در سطح ملی مسؤولیت تأمین ابعاد تئوریک نظام را عهده دار هستیم. عقبه تئوری و فکری و علمی نظام در حوزه هستیم. در جهان اسلام، ما نقطه کانونی تحولات آینده جهان اسلام خواهیم بود. امروز همه مسلمانان دنیا، از تجربه انقلاب اسلامی درس گرفته اند و به سمت یک چنین مأموریت‌هایی جامعه خودشان را هدایت می کنند. آنان تجربه ما را شناسایی می کنند و حوزه علمیه، به عنوان عقبه تئوریک نظام، باید بتواند این را با زبان درست و شفاف معرفی کند.

در نظام بین الملل، ما باید مأموریت‌های خود را به درستی تبیین کنیم. ما نقطه ای هستیم که مورد توجه نظام بین الملل، اعم از دوستان و دشمنانیم.

امروز، حوزه شیعه، یک حوزه مهجور و برکنار از حوادث نیست. حوزه علمیه، امروز در کانون توجه سیاستمداران بزرگ دنیا و در کانون توجه نخبگان علمی برجسته دنیا است. اول باید این جایگاه بدرستی شناسایی شود و متوجه شویم آن چه را که ما نسبت به خودمان می اندیشیم، یک تصور کامل و درستی نیست. این تأمل، و به تبع آن یک خودباوری و درست بینی وضعیت اگر به وجود بیاید، گام بعدی این است که ظرفیت‌های خودمان را با آن چیزی که باید داشته باشیم، مقایسه کنیم.

آیا ما در بخش منابع انسانی، همان چیزی هستیم که باید باشیم؟ آیا ما در

نظام آموزشی خودمان، (از مواد آموزشی گرفته تا سیستم آموزشی) توان مندی ارائه و انتقال معارف مورد نیاز را داریم؟ آیا عرصه پژوهش حوزه، عرصه‌ای است که بتواند چنین محتوای تئوریک و در واقع نظری را فراهم کند؟

آیا امروز، دانشهای اسلامی و مرسوم ما پاسخ‌گوی نیازهای ملی و فراملی هست؟ آیا آن نوع طبقه‌بندی که ما در گذشته نسبت به دانش داشته‌ایم، همچنان می‌تواند یک طبقه‌بندی رسمی و قابل قبول به شمار بیاید؟ و دهه‌ها سؤال از این دست. اینها سؤالهایی است که هر کدام می‌تواند محور مقاله‌ها و گفت‌وگوهای جدی قرار بگیرد و ذهنهایی را درگیر مسأله کند. من فکر می‌کنم اینها زوایا و ابعادی است که باید آنها را واکاوی بکنیم و به بحث گذاریم و در این جا هم اجازه بدهیم، نقد و بررسیهای جدی صورت بگیرد. ما دیگر نمی‌توانیم با خودمان تعارف کنیم. ما هر قدر خودمان بتوانیم به استقبال نقدها و آسیب‌شناسی‌ها برویم، بهتر است که بمانیم و دیگران نسبت به ما انتقاد کنند. باید راه حل ارائه دهیم. گاه ما می‌ترسیم که خودمان حوزه را نقد کنیم در حالی که نقد خودمان نسبت به حوزه، بیش از همه، دشمنان را ناامید می‌کند. وقتی آنان می‌بینند در درون نظام حوزه ما، یک هسته‌های فکری، یک نگاه‌های استراتژیک وجود دارد، از این که بخوانند به حریم حوزه و آینده آن دخالت کنند، ناامید خواهند شد.

و نمی‌توانند به زوال و انحطاط فرهنگ دینی امید بینند از این جهت، واقعاً این حوزه از کار مطالعاتی، شاید بهترین و بیش‌ترین سود را برای حوزه داشته باشد. الآن ما هیچ نشریه‌ای را نداریم که این را به عنوان مأموریت خودش مطرح کند.

🔗: حوزه‌هایی که جناب عالی برای این بحث برشمردید هر کدام دارای چالش‌هایی است. در حوزه بین‌الملل ممکن است چالش‌ها قدری پیچیده‌تر باشند.

بفرمایید با توجه به اهدافی که برای حوزه و بویژه مجله حوزه در سطح بین‌المللی متصور و مطرح است، در صورت مواجهه با چالش‌ها چگونه می‌تواند از آنها عبور کند؟ یعنی اساساً چه چالش‌هایی در این راه ممکن است در پیش رو باشد و راه عبور از آنها چیست؟

● باید شناخت مجله فعال و بایک نگاه در واقع عمیق و دورنگارانه باشد. وقتی چالش برای یک حوزه اتفاق می‌افتد در آن زمان، کم‌تر می‌توان تصمیم‌گیری عاقلانه کرد. راه حل قضیه این است که ما هم ریشه‌های چالش را بهتر بشناسیم، هم افق آینده مواجهه خودمان را با این عرصه بشناسیم. من فکر می‌کنم در حال حاضر، چالش‌هایی که برای حوزه دین، و حوزه‌های علمیه وجود دارد، به اندازه‌ای نیست که ما را در آستانه بحران قرار داده باشد. به تعبیر دیگر، مجموعه چالش‌های موجود، به یک فرصتهای بسیار گسترده‌ای همراه شده است که ما باید این فرصتها را غنیمت شمرده و از آن استفاده کنیم و چالش‌ها را پشت سر بگذاریم. زمانی امکان دارد که در هسته مدیریتی و در هسته نظری علمی حوزه علمیه، شورای حلقه‌های فکری و اتاقهای اندیشه و فکر شکل بگیرد ما نیازمند یک حوزه عاقله، یک قرارگاه فکری و تئوریک برای تشخیص و تجزیه و تحلیل درست چالش‌ها و تشخیص فرصتهای بسیار قابل توجه و برنامه‌ریزی استراتژیک و تبدیل کردن چالش‌ها به یک فرصت هستیم. من فکر می‌کنم این کار یک قانون علمی و هسته تئوریک لازم دارد که این هسته تئوریک می‌تواند در اطراف مجله حوزه شکل گیرد. در دهه ۶۰ هم یک تجربه کار گروهی را در حاشیه نشریه حوزه داشته‌ایم و می‌توان گفت در مجموع تجربه خوبی بود.

👁️ : با توجه به اشاره ای که به کار گروه های حاشیه ای داشتید،

نهادهای مختلف در کنار نهاد دفتر تبلیغات و مجله حوزه چه

کمک هایی می توانند در راه پیشبرد اهداف مجله داشته باشند؟

● آن چه که من عرض می کنم دسترسی به آن دور از دسترس نیست؛ اما برای دسترسی به آن باید مراحلی را پشت سر بگذاریم. نقطه آغاز قضیه این است که مرکز این کانون فکری شکل بگیرد. ما دقیقاً مانند یک قطره ای هستیم که اگر این قطره درست بسته شود، در طول مسیر می تواند سایر قطره ها را هم به خودش جلب کند و کم کم باران و سیلابی را ایجاد کند. هسته اولیه باید در یک کانون علمی و فکری شکل بگیرد. قدم بعد، جلب توجه فضلا و نخبگان خوش فکر حوزه است. امروز مثل ۲۰ سال گذشته نیست که تعداد محدودی اهل قلم و اندیشه در حوزه دین بودند. امروز این طیف، به نسل دوم و سوم، و تبدیل به یک جامعه فکری و علمی شده اند که می توان با استفاده از آنان این مجموعه را شکل داد. بعد از این هست که ما باید تلاش بکنیم نهادهای علمی و فرهنگی حوزه را به این مجموعه وصل کنیم. فکر می کنم اگر مجموع حوزه با یک عزم جدی در یک گروه نخبه فکری ولو محدود، این طرح و تئوری را آغاز کنند و با عزم جدی این مسیر را شروع کنند، نهادهای پراکنده ای هستند که به این مجموعه کمک می کنند و یاری می رسانند.

آن چه که در این جا مهم است شروع این حرکت است و جا انداختن این نکته که این، به عنوان یک ضرورت و اولویت جدی است. ایجاد آن هسته اولیه بسیار مهم است. بقیه آن امکانات و ظرفیتهای در تداوم کار خواهد آمد. من فکر می کنم نهادهای علمی، اجرایی کشور هم ظرفیتهای خوبی دارند که می توانند کمک کنند. اطلاعات، آمار تحلیلهایی وجود دارد و حتی کارشناسان برجسته و متعهدی هستند که می توانند فضلا و اندیشمندان حوزه را در این زمینه یاری کنند.